

## منظر جنگ

### ادراک منظر، استحکامات دفاعی و استتار در زمان جنگ

**چکیده** | این مقاله به چگونگی تأثیر جنگ بر شکل‌گیری مناظر و همچنین نحوه ادراک ما از آن می‌پردازد. شواهد زیادی از تأثیر جنگ‌ها بر منظر از زمان باستان تاکنون وجود دارد. این تأثیرات هم در بعد فیزیکی منظر قابل مشاهده است و هم در ابعاد ذهنی آن تأثیر می‌گذارد. بسیاری از مناظر فرهنگی امروز در نتیجه جنگ‌ها شکل گرفته‌اند. رابطه متقابل جنگ و منظر را می‌توان بر پایه دو کلیدواژه اصلی «ادراک» و «زمین» مطالعه کرد. در این مقاله مختصراً به ادراک منظر در نظریه‌های غربی در ارتباط با ارزش‌های منفی مانند ترس و خطر، همچنین ادراک منظر در بستر جنگ پرداخته می‌شود؛ سپس نمونه‌هایی از تغییر فیزیکی منظر در نتیجه اقداماتی که در زمان جنگ و یا پس از آن برای شکل‌دهی به منظر صورت گرفته، بررسی می‌گردد. این نمونه‌ها شامل دیوارها و استحکامات دفاعی، یادمان‌های جنگی و گورستان‌های جنگ، باغسازی در زمان جنگ و همچنین مناظر استتار است. بررسی این موارد، پیچیدگی ارتباط میان جنگ و منظر را نشان می‌دهد و اینکه امروز، طراحی دوباره و معنادار مناظر متأثر از جنگ برای استفاده‌های جدید، در وهله اول نیازمند خوانش دقیق این مناظر است.

آن ماری بوخر

دکتری تئوری منظر، استاد تاریخ  
منظر دانشگاه ای.تی.اچ زوریخ،  
سوئیس.

ab@foa-flux

ترجمه از انگلیسی :

سایما خواجه‌ای

sayma.khajehei@gmail.com

**واژگان کلیدی** | ادراک منظر، منظر جنگ، منظر دفاع، منظر استتار.

دادن به منظر صورت گرفته و برخی از آن‌ها تا امروز نیز به‌جامانده‌اند، معرفی می‌شوند.

### رابطه متقابل جنگ و منظر

مناظر، اهمیت اساسی در هویت جوامع، اجتماعات، فرهنگ‌ها و ملت‌ها دارند. واژه «منظر» معانی مختلفی دارد که به شیوه‌های متفاوت در رشته‌های مختلف ارائه شده است. معنی آن با ایده‌های انتزاعی، سنت‌های فرهنگی، تصاویر واسط و واقعیت‌های فیزیکی مرتبط می‌شود (Bucher, 2015). این مسئله باب‌های گوناگونی را برای مطالعه ارتباط منظر و جنگ - به‌عنوان درگیری نظامی همراه با تجاوز، تخریب، مرگ و شرایط زندگی بی‌ثبات - باز می‌کند. نکات محوری در این میان، «زمین» و «ادراک» است.

### - زمین

منظر فیزیکی، زمین و توپوگرافی آن، شاخصی اساسی برای هر جامعه است: شکل زمین، فضا و محدوده‌های آن را تعریف می‌کند حتی برای جنگ و مبارزه. جنگ‌ها در مناظر فیزیکی رخ می‌دهند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مقاطع زمین و شرایط آن دربرگیرنده معانی استراتژیک اساسی هستند. در قرن پنجم پیش از میلاد، استراتژیست چینی، «سون زو»<sup>۴</sup>، در کتاب «هنر جنگ»<sup>۵</sup> اشاره می‌کند که دانش تغییر شکل طبیعی زمین بهترین هم‌پیمان برای یک سرباز است. سون ژو، به سه حوزه عمومی مقاومت - که با فاصله، خطرات و موانع تعریف می‌شوند - و شش نوع موقعیت زمین که از آن‌ها استخراج می‌شود، اشاره می‌کند. هر یک از این مواضع زمینی، مزایا و معایب خاص خود را دارد؛ به‌عنوان مثال، مواضع ساخته‌شده بایستی در ابتدا برای منتظر نگه‌داشتن دشمن پر شود.

زمین، همچنین در جنگ میان ارتش مجهز اتریش از امپراتوری روم و ارتش نه‌چندان قدرتمند اتحاد سوئیس در نبرد افسانه‌ای «مورگارتن»<sup>۶</sup> در سال ۱۳۱۵ م. نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. ارتش سوئیس، تنها به خاطر استفاده استراتژیک از منظر، اتریشی‌ها را شکست داد. جنگ در حدفاصل کرانه دریاچه «ژیری»<sup>۷</sup> و صخره‌های پرشیب گذرگاه مورگارتن اتفاق افتاد که ارتش اتریش در آن استقرار یافته بود و متعاقباً در همان‌جا محاصره شد. در این میدان نبرد بی‌دفاع، ارتش سوئیس نشان داد که استفاده هوشمندانه از زمین می‌تواند حتی یک گروه

**مقدمه** | منظر ممکن است از مؤلفه‌های فیزیکی و جغرافیایی تشکیل شده باشد اما همین مؤلفه‌ها نیز در اثر تجارب ادراک‌شده به وجود می‌آیند. ما منظر را از طریق تخیل شکل می‌دهیم به همان اندازه که آن را با دیدن می‌سازیم. ما همچنین در محیط سکونت گزیده و با برداشت و تغییر شکل آن، محیط خود را به منظرهای چندوجهی فرهنگی تبدیل می‌کنیم.

جنگ‌ها این منظرهای فرهنگی را به‌صورت مادی و ذهنی و با پیامدهای قابل توجهی تغییر می‌دهند. شواهد آن نه‌تنها در ساختارهای ذهنی منظر (در ایده‌ها، مفاهیم، متون، تصاویر و نقشه‌ها)، بلکه در بُعد فیزیکی منظر نیز قابل مشاهده‌اند. آثار و شواهد مادی متعددی از جنگ وجود دارد. ساختارها و اشیاء به‌جامانده مانند میدان‌های جنگ، خطوط مقدم، دیوارها، یا سازه‌های مقاوم به سایت‌های میراث فرهنگی تبدیل شده و یا به‌عنوان مناطق ممنوعه حفاظت شده‌اند. گورستان‌های جنگی و یادمان‌ها برای دفن کشته‌شدگان و بزرگداشت جان‌های بی‌شماری که از دست رفته‌اند، ساخته شده است. برنامه‌های باغسازی در ارتباط با جنگ برای مقابله با افسردگی و کمبود غذا در خانه‌ها به وجود آمدند. منظرهای استتاری مانند حجاب هستند و مناطق ویران‌شده به مرمت نیاز دارند. حتی در سوئیس که سرزمین صلح و غنا به شمار می‌رود، می‌توان مناظر جنگ و آثار استفاده از زمین برای دفاع در زمان جنگ را یافت.

این شواهد همچنین در رویکردهای نظری به منظر نیز دیده می‌شود. واژه «حس مکان» یک مفهوم کلیدی است که بر رویکردهای رفتاری و احساسی، و گرایش‌ها به‌سوی چیدمان فضایی و مناظر تمرکز دارد. این مفهوم، عشق به منظر را نشان می‌دهد اما درعین حال به ترس و خطر به‌عنوان عناصری تعیین‌کننده در منظر اشاره دارد. به‌هرحال همان‌گونه که در کارهای «کرت لوین»<sup>۸</sup> جامعه‌شناس آلمانی و «جان جکسون»<sup>۹</sup> مورخ منظر آمریکایی می‌بینیم، تجربه مستقیم جنگ تأثیر بسیار زیادی بر ادراک منظر و بازتاب آن داشته است.

در این مقاله<sup>۳</sup> به چگونگی تأثیر جنگ در شکل‌گیری منظر و همچنین تأثیر آن بر فهم ما از منظر و نحوه ادراک آن پرداخته می‌شود. در ابتدا در مورد ادراک منظر در بستر ترس و خطر بحث می‌شود و سپس نمونه‌هایی از ساختارهای مربوط به جنگ و تلاش‌هایی که در این رابطه برای شکل

ترس و منظر اشاره دارد که ممکن است ارتباطی سازنده باشد.

### رویکردهای نظری

به نظر می‌رسد در مفهوم‌سازی منظر، ترس در همه‌جا حضور دارد. در قرن هجدهم، منظر از طریق «تئوری تعالی»<sup>۱۳</sup>، مدون شده بود. در زیبایی‌شناسی، واژه «تعالی» به عظمتی ورای تمام امکانات محاسبه، اندازه‌گیری و تقلید اشاره دارد. مفهوم تعالی، به‌عنوان یک کیفیت زیباشناسانه در طبیعت، از مفهوم «زیبایی»، که در قرن هجدهم در نوشته‌های هنرمندان و فیلسوفان انگلیسی و بالأخص در کارهای «ارل شافتزبری»<sup>۱۴</sup>، «جان دنیس»<sup>۱۵</sup> و «جوزف آدیسون»<sup>۱۶</sup> برجسته شد، متفاوت است. هریک از آن‌ها به سفری<sup>۱۷</sup> در طول آلپ رفته و در نوشته‌هایشان به دو حس وحشت و هارمونی در تجربه‌شان اشاره کردند که تضاد آشکار کیفیت‌های زیباشناسانه منظر آلپ را نشان می‌داد. «ادموند برک»<sup>۱۸</sup>، اولین فیلسوفی است که می‌گوید تعالی و زیبایی در تقابل با یکدیگر قرار دارند و تجربه‌های زیباشناسانه تعالی در حقیقت بیشتر به ترس و «وحشت لذت‌بخش» مربوط می‌شود (Burke, 1970).

رویکردهای اخیر در تئوری منظر فرهنگی این مسئله را روشن می‌کند که منظر بر ترس دلالت دارد. طبق اظهارات «جی اپلتون» (Appleton, 1996) ترجیحات فرهنگی برای منظرهای پارک‌گونه، شامل منظرهای طبیعی، منظرهای طراحی‌شده و منظرهای نقاشی شده، از اجداد و پیشینیان شکارچی و جمع آورنده ما که در دشت‌ها و سکونتگاه‌های طبیعی می‌زیسته‌اند، نشأت می‌گیرد. این منظرهای پارک‌گونه، تمایل درونی ما به سکنی گزیدن در یک مکان مخفی، مصون و حفاظت‌شده را نشان می‌دهد.

از منظر دو جنگ جهانی، نظریه‌پردازها مفهومی از منظر را توسعه دادند که نه تنها آنچه بعداً «حس مکان» نامیده شد را در خود جای می‌داد، بلکه حساسیت خاصی به نگرش‌های منفی به چیدمان فضایی مانند ترس و خطر داشت.

– «کرت لوین»<sup>۱۹</sup>: تغییر تجربه‌های منظر در جبهه جنگ مقاله «منظر جنگ»<sup>۲۰</sup> اثر کرت لوین، تحقیقی پیشرو در ادراک و پدیدارشناسی منظر جنگ است. به‌علاوه، این نوشته سهم اساسی در مفهوم‌سازی روانشناسی محیطی و توپولوژیک و ادراک منظر دارد.

لوین، با کشف اینکه چگونه تأثیرات عملیات نظامی بر روی

کوچک و غیرمجهز را بر ارتش قدرتمند پیروز نماید (تصویر ۱). در قرن هجدهم، «کارل ون کلاوس‌ویتز» بر رابطه میان جنگ و زمینی که نبرد در آن اتفاق می‌افتد، به‌عنوان یکی از جنبه‌های حیاتی در استراتژی ارتش تأکید کرده است (Clausewitz, 1832). به عقیده او یک استراتژیست جنگ باید یک «استعداد ذهنی طبیعی» در «حس موقعیت‌یابی» داشته باشد. یک چنین حسی، از ادراک و تصور زمین ناشی می‌شود که بخشی از آن توسط چشم فیزیکی و بخشی توسط ذهن ایجاد شده؛ که بخش‌های نادیده را توسط مفاهیم برگرفته از دانش و تجربه تکمیل می‌کند.

### – ادراک

ادراک منظر، چندان یک فرآیند شناختی محسوب نمی‌شود و بیشتر به رفتارها، احساسات، تمایلات و ترس‌هایی که مردم در رابطه با مکان دارند، مرتبط است. برای پرداختن به این روابط مؤثر، جغرافی‌دان چینی-آمریکایی «ای فو توآن»<sup>۲۱</sup>، مفاهیم «زمین‌دوستی»<sup>۲۲</sup> و «زمین‌ترسی»<sup>۲۳</sup> را مطرح می‌کند. در ادراک و استفاده از زمین به نظر می‌رسد که زمین‌دوستی یک اصل راهنما است: زمین‌دوستی، عشق به مکان را توصیف می‌کند؛ جایی که مردم در آن احساس ریشه‌دار بودن می‌کنند و پیوندی با مکان ایجاد کرده‌اند. توآن اشاره می‌کند که این پیوند بر اساس فرهنگ‌ها تغییر نموده و به اشکال مختلف بیان می‌شود. به این صورت، عشق به یک مکان یا منظر، اشکال زیبایی‌شناسانه به خود می‌گیرد. از این رو، رویکردهای زیباشناسانه به منظر، معمول‌ترین روش برای ابراز زمین‌دوستی است. صورت معمول دیگر آن احساس در خانه بودن و احساس امنیت است.

منظر می‌تواند مرتبط با ارزش‌های منفی مانند ترس یا آسیب نیز باشد. به همین ترتیب، به‌عنوان یک ویژگی برای مکان‌هایی که افراد در آن حس ناامنی جمعی و فردی، تهدید، نفرت یا سایر احساسات منفی را تجربه کرده‌اند، «زمین‌ترسی» به‌عنوان یک دافعه مکان محسوب می‌شود.

در یک بستر غربی، منظر بیشتر با مفهوم «سرزمین مادری» مرتبط می‌شود تا میدان جنگ. حتی می‌توان گفت که منظر معمولاً در تضاد با جنگ درک می‌شود، زیرا ذات آن به زیبایی، سلامت، امنیت و تفریح اشاره دارد. اگرچه، نگاهی عمیق‌تر، مشخص می‌کند که ترس، اضطراب و خطر نیز در فهم مشترک از منظر نقش دارند. تاریخ منظر فرهنگی غرب، به ارتباط میان



تصویر ۱: نقاشی دیواری شهرداری شوییز (Schwyz)، نبرد مورگارتن، اثر فردیناند واگنر (Ferdinand Wagner)، ۱۸۹۱. عکس از آدرین مایکل (Adrian Michel).  
 مأخذ: [https://de.wikipedia.org/wiki/Schlacht\\_am\\_Morgarten#/media/File:Morgarten\\_Rathaus\\_Schwyz.jpg](https://de.wikipedia.org/wiki/Schlacht_am_Morgarten#/media/File:Morgarten_Rathaus_Schwyz.jpg)

هریک ویژگی‌های خاص خود را دارند، بسط داد. او به‌عنوان افسری که در دوران جنگ در اروپا اقامت داشت، برای به دست آوردن دید مناسب نسبت به جغرافیای محل اقامت خود کتاب‌هایی را مطالعه کرد. او به رمزگشایی کدها، بررسی نقشه‌ها و مطالعه بر روی زمین پرداخت؛ اما به‌عنوان میانجی میان جبهه و ستادها، او کشف کرد که سربازان در خط مقدم، به‌این‌علت که یاد می‌گیرند برای هدایت مسیریابی به تمام حواس خود متکی باشند، آگاهی بیشتری نسبت به محیط دارند. او توضیح می‌دهد که چگونه این مسئله به آگاهی محیطی آن‌ها و حس مکان شکل می‌دهد. درنهایت، این چیزی است که سربازان میدان جنگ را از هم‌قطاران آن‌ها در ستادها، متمایز می‌کند. در زمان صلح، چه در هنگام روز و چه در شب، ویژگی‌های شکل زمین مانند خاک باتلاقی

زمین، درک عادی منظر را دگرگون می‌کند، مناظر جنگ را به‌عنوان «مناظر هدایت‌شده»<sup>۲۱</sup> طبقه‌بندی کرد که توسط خط مقدم محدود شده‌اند؛ جایی که مناظرهای صلح به‌عنوان کمالی نامتناهی درک می‌شوند.

لویین بر اساس تجربه‌های شخصی‌اش به‌عنوان سرباز توپخانه در یک جنگ طولانی فرسایشی، سعی کرد تا به خوانشی از منظر در ارتباط با جنگ دست یابد. یک سرباز، برای بقا در خط مقدم، در ابتدا نیازمند تعیین وضع زمین در وهله اول بر اساس امنیت فیزیکی، غذا، جایگیری مناسب و سایر احتیاط‌هاست. در حرکت از خطوط پشتی جبهه به سمت خط مقدم، او ممکن است تغییری غیرمعمول را در شکل منظر تجربه کند. این مسئله به خاطر هوشیاری بالا در مقابله با خطر قریب‌الوقوع در خط مقدم و در دسترس نبودن آن نیست، بلکه بیشتر به تغییرات در خود منظر بستگی دارد: به نظر می‌رسد که منطقه اشغال شده حد نهایی تعریف‌شده‌ای در جایی جلوتر داشته باشد که به «هیچ» منتهی می‌شود. اگر این جایگاه در طول جنگ سیال درهم‌شکسته شود، آنگاه این مسئله واضح است که نه‌تنها مرزها می‌توانند حرکت کنند و مفهوم منطقه خطر عوض می‌شود، بلکه می‌توان شاهد بود که میدان جنگ به‌طور غافلگیرانه‌ای توسط زمین جایگزین شده است. منطقه‌ای که سربازان مدام باید برای دفاع از آن تلاش می‌کردند، اکنون به بخشی از زمینی تبدیل شده که باید از آن گذر کنند. آنچه به‌عنوان یکی از عناصر جنگ شناخته می‌شد، ناگهان دوباره به مرغزار و زمین کشاورزی تبدیل شده است؛ و آنچه پیش‌ازین به‌عنوان مخفیگاهی در شیب برای استتار به نظر می‌رسید، اکنون به‌عنوان یک زمین مواج نسبتاً هموار بدون اختلاف ارتفاع قابل توجه دیده می‌شود. به‌محض اینکه خط مقدم تغییر کند - و یا جنگ تمام شود - منظر، مشخصه اصلی و منحصربه‌فرد خود را به‌عنوان «منظر صلح» بازمی‌یابد. لویین توانست نشان دهد که منظر به‌عنوان یک مفهوم چندوجهی و شناور، بسیار به ادراک وابسته است.

- «ج. ب. جکسون»<sup>۲۲</sup> و توسعه آگاهی محیطی جکسون یک نویسنده آمریکایی، معلم و نظریه‌پرداز منظر است که در نیمه قرن بیستم، از طریق مفهوم «بومی» چشم‌اندازهای منظر را گسترش داد. وی بر اساس تجربیاتش در جنگ جهانی دوم، تفکر خود را در مورد منظر به‌عنوان یک محصول ساخته بشر شکل داد و سپس این ایده را که مناظر،



تصویر ۲: دیوار هادریان، آثار به‌جامانده از قلعه شماره ۳۹ یا قلعه نیک (Castle Nick). عکس از آدام کوردون (Adam Curdon) مأخذ: [https://de.wikipedia.org/wiki/Hadrianswall#/media/File:Milecastle\\_39\\_on\\_Hadrian%27s\\_Wall.jpg](https://de.wikipedia.org/wiki/Hadrianswall#/media/File:Milecastle_39_on_Hadrian%27s_Wall.jpg)

تاکنون قابل مشاهده است.

#### دیوارها و استحکامات دفاعی

دیوارها، سازه‌هایی هستند که برای تعریف یک محیط و فراهم آوردن سرپناه و امنیت ساخته شده‌اند. از زمان باستان تا دوران مدرن، دیوارها به‌عنوان عنصری ضروری در ساخت استحکامات دفاعی به کار رفته‌اند و برای محصور نمودن و حفاظت از سرزمین و سکونتگاه‌ها در برابر مهاجمان بالقوه استفاده شده‌اند. دیوارهای بزرگ دگرگون‌کننده و تقسیم‌کننده منظرها، گواه نزاع‌های بزرگ در تاریخ جهان هستند. دیوار بزرگ چین در طول ۲۱۱۹۰ کیلومتری خود، یک سری استحکامات ساخته‌شده از سنگ، آجر، خاک فشرده‌شده، چوب و مصالح گوناگون دیگر را جای داده که از امپراتوری چین در برابر تهاجمات قبایل مختلف محافظت می‌کرده است. در قرن هفتم پیش از میلاد، دیوارهای زیادی در طول مرزهای امپراتوری شمالی ساخته شد که بعداً به همدیگر متصل شدند. ویژگی دفاعی دیوار بزرگ چین بعداً توسط ساخت برج‌های مراقبت، سربازخانه‌های گروهی، دژبانی‌ها، تسهیلات علامت‌دهی توسط دود و یا آتش و درنهایت مسیر

یا پوشش گیاهی، هیچ‌گاه به‌عنوان عواملی برای بقا در نظر گرفته نمی‌شوند؛ اما در جبهه جنگ، چنین هوشیاری محیطی ضروری به نظر می‌رسد و هر سربازی برای به‌کارگیری و غنای این آگاهی تلاش می‌کند. جکسون، آگاهی محیطی - و حس مکان - را نه تنها به‌عنوان یک ابزار استراتژیک (همانند کلاوس ویتز) بلکه به‌عنوان اساس و پایه مفهومی جدید از منظر مورد ارزیابی قرار داد. در این راه، در مواجهه با جنگ‌ها بود که جکسون توانست مهارت خود را در خوانش منظر به‌عنوان محصول ساخته انسان توسعه دهد. بر اساس این خوانش‌ها، او این ایده را مطرح کرد که شکل‌گیری و تخریب منظر به‌شدت با ضرورت‌های وجودی انسان ارتباط دارد؛ بنابراین، شایسته است در مورد مفهوم منظر به‌عنوان محصول تلاش بشر برای «بازآفرینی بهشت بر روی زمین» با استفاده از روش‌های مطالعات فرهنگی تحقیق بیشتری صورت گیرد.

#### مناظر جنگ

موارد زیر، تلاش‌هایی برای طبقه‌بندی و قیاس مناظر جنگی در طول تاریخ هستند که نشان می‌دهند که چگونه جنگ به صورت‌های متنوع به منظر شکل داده و چگونه این موضوع



تصویر ۳: منظر نمایشی باستان‌شناسانه در پارک کال کریز، طراحی شده توسط معماران منظر «رایتر زولاف» و «لوکاس شویینگ‌روبر». عکس از Corradox. مأخذ: [https://de.wikipedia.org/wiki/Museum\\_und\\_Park\\_Kalkriese#/media/File:Kalkriese\\_Turmblick.JPG](https://de.wikipedia.org/wiki/Museum_und_Park_Kalkriese#/media/File:Kalkriese_Turmblick.JPG)

اروپا را در بر می‌گیرد. تمام مسیر نروژ تا مرز اسپانیا، تعداد زیادی از استحکامات دفاعی و زیرساخت‌های مرتبط با زمین به هم پیوسته‌اند. برخی از بخش‌های دیوار آتلانتیک نابود شده در حالی که برخی دیگر پابرجا بوده و به‌عنوان سرمایه‌های عمومی و سایت‌های میراث فرهنگی در خاطره جمعی ثبت شده‌اند.

یکی از این موارد، نروژ شمالی است؛ جایی که منطقه «فنمارک»<sup>۲۶</sup> شمالی‌ترین شاخه خط دفاعی عظیم آلمان را ساخته است. حضور گسترده ارتش آلمان در زمان جنگ جهانی دوم و سوزاندن زمین در تاکتیک‌های آن‌ها، موجب تغییرات شدید در مناظر روستایی و ساحلی نروژ شد که بر جوامع محلی تأثیر بسیار زیادی گذاشت. امروزه، جنگ همچنان مؤلفه آشکار این ساحل شمالی است: سنگرهای زیرزمینی، جاگذاری پیل‌ها، جایگیری سلاح‌ها، پست‌های نگهبانی، گودال‌ها، جاده‌ها، حصارهای سیم‌خاردار و به همان اندازه ویرانه‌های سکونتگاه‌های پیشین، نمایشی از منظر جنگ را به تصویر می‌کشند.

ساخت این دیوارها امروز نسبت جدید و متأثرکننده‌ای با استحکامات ایجاد شده در طول مرزهای اروپا برای متوقف کردن پناهندگان پیدا کرده است.

دیوار بزرگ که به‌عنوان کریدور عبوری نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت، تقویت شد. این نشانه<sup>۲۳</sup> آن قدر بزرگ است که در تصاویر ماهواره‌ای مشاهده می‌شود.

رومی‌ها نیز نشانه‌های مشابهی از استحکامات دفاعی مرزی و جنگی در مناظر فرهنگی خود در سازه‌هایی به نام «لایمز»<sup>۲۴</sup> به‌جا گذاشته‌اند که گونه‌ای دیوار دفاعی است که در بسیاری از مرزهای دور امپراتوری روم برای مقابله با هجوم بربرها ساخته شده است. به‌عنوان یکی از سه دیوار تاریخی اصلی اروپا، دیوار «هادریان»<sup>۲۵</sup> از سال ۱۲۲ پس از میلاد به بعد در بریتانیا ساخته شد. استحکامات، توسط دیوار سنگی، قلعه‌ها، برج‌های مراقبت و جان‌پناه‌ها کامل شده که از دریای شمال تا دریای ایرلند کشیده شده و یک منظر تقسیم‌شده به لحاظ فضایی و سیاسی را ایجاد می‌کند. بخش عظیمی از این دیوار، همچنان پایدار مانده و در سال ۱۹۸۷ توسط یونسکو به‌عنوان میراث جهانی انتخاب شده است (تصویر ۲).

در طول تاریخ، ساخت دیوارها به‌عنوان یک استراتژی دفاعی مؤثر اثبات شده است. در جنگ جهانی دوم، آلمان نازی، دیوار آتلانتیک را بین سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ م. ساخت که یک سیستم گسترده معماری دفاعی است و خطوط ساحلی قاره



تصویر ۴: گورستان جنگی آلمان در گذرگاه فوتا، ایتالیا: منظری تندیس‌وار، شامل یک دیوار دو کیلومتری که با فرمی ماریج به دور کوه کشیده شده و تراس‌هایی برای قبرها.

مأخذ: [https://de.wikipedia.org/wiki/Deutscher\\_Soldatenfriedhof\\_Futapass#/media/File:FirenzuolaSoldatenfriedhofFutapassMonumentGraeber2.JPG](https://de.wikipedia.org/wiki/Deutscher_Soldatenfriedhof_Futapass#/media/File:FirenzuolaSoldatenfriedhofFutapassMonumentGraeber2.JPG)

باشد. برای ارزیابی این منطقه، یک موزه و پارک در آن تأسیس شد. معماران منظر سوئیسی «زولاف» و «شویپینگ‌روبر<sup>۳۰</sup>» پارک ۲۰ هکتاری را برای نمایش حفاری‌های باستان‌شناسانه و به تصویر کشیدن عناصر جنگ طراحی کردند (تصویر ۳).

در طول جنگ جهانی اول، مناظر گسترده‌ای در اروپا به میدان جنگ تبدیل شد. نیاز برای گورستان‌های جنگی زیاد بود. معمار منظر آلمانی، «ویلی لانگ<sup>۳۱</sup>» طرحی را که بعداً «آرامگاه قهرمانان<sup>۳۲</sup>» نامیده شد، ارائه داد که در آن برای هر سرباز کشته‌شده یک درخت بلوط کاشته شد. در آلمان و همچنین خارج از آلمان این مفهوم برای دفن و یادبود درگذشتگان استفاده شد و به سرعت گسترش پیدا کرد.

منظرهای جنگ تأثیرگذاری هنوز هم در منطقه فلاندر در بلژیک و مناطق «وردان<sup>۳۳</sup>» و دره «ماس<sup>۳۴</sup>» در فرانسه وجود دارد. روستاها و شهرها، زمین‌های کشاورزی و جنگل‌ها به میدان‌های جنگ و سپس به گورستان‌های جنگی تبدیل شدند. سنگرهای فرسایش یافته، آثار بمباران‌ها و گورستان‌های وسیع، به‌عنوان نشانه‌های تاریخ ثبت‌شده در منظر باقی مانده‌اند.

– میدان جنگ، گورهای جنگی و یادمان‌ها

منظرهای نبردگاهی به‌عنوان مکان‌هایی برای ارتش‌های مخالف که به مقابله با یکدیگر می‌پردازند، تعریف می‌شوند. این گونه مکان‌ها شامل مناطقی که برای جنگ و حرکات اصلی سربازها استفاده می‌شوند، نقاط اصلی برای مشاهده وقایع یا هدایت دسته‌ها و یا کمپ‌های شبانه هستند. هنگامی که رزمندگان کشته می‌شوند، به‌طور معمول آن‌ها را در همان میدان جنگ و یا در نزدیکی آن دفن می‌کنند. درحالی‌که منظر معمولاً در زمان جنگ دچار برخی تغییرات می‌شود، اما اغلب مشخصه‌های کلیدی زمین در زمان جنگ محفوظ می‌ماند و از این رو همچنان در فراهم کردن امکان شناسایی اتفاقاتی که بر روی زمین افتاده و همچنین تفسیر و درک آن اهمیت حیاتی دارد. مطالعات باستان‌شناسانه نشان می‌دهد که میدان جنگ به زمان‌های باستان بازمی‌گردد؛ همان‌گونه که در مورد موزه و پارک «کال کرایز<sup>۳۷</sup>» در نزدیکی «اوزنابروک<sup>۳۸</sup>» در آلمان دیده می‌شود. مطالعه خاک نشان می‌دهد که این منطقه ممکن است میدان جنگ تاریخی «توتوبرگ فارسست<sup>۳۹</sup>» در قرن نهم میلادی بوده

باغسازی ظهور کرد که از یک‌سو با جنگ در ارتباط بود و از سوی دیگر به جنبش‌های باغسازی و کشاورزی شهری امروزی شباهت داشت.

باغ‌های نصرت (Gowdy-Wygart, 2013; Platenius, 1943) که به آن‌ها باغ‌های جنگی یا باغ‌های غذایی برای دفاع نیز گفته می‌شود، باغ‌های میوه و سبزیجات بودند که در سکونتگاه‌های خصوصی و پارک‌های عمومی ساخته می‌شدند. در طول جنگ جهانی اول و دوم، این باغ‌های مثمر همراه با مهرها و کارت‌های جیره‌بندی برای کاهش فشارهای ناشی از کمبود ذخیره غذای عمومی در ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، استرالیا، اتریش، آلمان و سوئیس استفاده شدند. این باغ‌ها غیرازآنکه به‌صورت غیرمستقیم به جنگ کمک می‌کردند، تقویت‌کننده روحیه افراد نیز شناخته می‌شدند؛ چراکه در آن باغداران به علت سهمشان در کار احساس قدرت نموده و با محصولاتی که برداشت می‌کردند، پاداش داده می‌شدند. بدین گونه، باغ نصرت به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره مردم در پشت جبهه درآمد.

این پدیده برای اولین بار در سال ۱۹۱۷ زمانی که «کمسیون ملی باغ‌های جنگ» در آمریکا تشکیل شد و کمپین باغسازی جنگ شروع به کار کرد، اتفاق افتاد. در طول جنگ جهانی اول، به علت استخدام گسترده کارگران کشاورزی در ارتش و بی‌ثمر شدن زمین‌های کشاورزی در اثر جنگ، تولید غذا در کل جهان به‌شدت افت کرد. در نتیجه این ایده مورد استقبال قرار گرفت، زیرا می‌توانست ذخیره غذایی را بدون استفاده از زمین کشاورزی و یا نیروی انسانی که برای کشاورزی بکار گرفته می‌شد، به مقدار زیادی افزایش دهد. در نهایت، کمپین برداشت از زمین‌های عمومی و خصوصی در دسترس را تقویت کرد و خیلی زود، تولید غذا توسط بیش از پنج میلیون باغ جنگی افزایش یافت.

در شروع جنگ جهانی دوم، باغ‌های نصرت دوباره پدیدار شدند. برنامه‌های باغسازی جنگی و سایر برنامه‌های مربوطه نه‌تنها در آمریکا که در بسیاری از کشورهای اروپایی شروع شد. در «هاید پارک»<sup>۴۲</sup> لندن، بخش‌هایی از چمن‌ها برای ایجاد کرت‌های کشاورزی شخم زده شدند تا جنبش باغ نصرت ارتقا یابد. باغچه‌های سبزیجات در حیاط پشتی ساختمان‌ها و یا بر روی بام آپارتمان‌ها ایجاد شدند.

در سوئیس، برنامه‌ای مشابه برای تهیه غذا به‌صورت موقت فضاهای سبز عمومی و خصوصی را تغییر داد. این برنامه

در زمان‌های پساجنگ، بسیاری از گورهای جنگی به‌هم‌پیوسته و مکان‌های یادمانی و گورستان‌های جدیدی به وجود آمدند؛ مانند گورستان جنگی گذرگاه «فوتا»<sup>۴۳</sup> در ایتالیا. این سایت تدفینی و یادمانی پساجنگی، کار مشترکی بود که در سال ۱۹۵۹ توسط معمار «دیترا اوسترن»<sup>۴۴</sup>، معماران منظر «والتر روسو»<sup>۴۵</sup> و «ارنست کرامر»<sup>۴۶</sup> و مجسمه‌سازی به نام «هلموت لانگ»<sup>۴۷</sup> به انجام رسید (تصویر ۴).

آرامگاه‌های جنگی و گورستان‌ها معمولاً با یادمان‌ها و مکان‌هایی برای بزرگداشت پیروزی و یا افرادی که در جنگ از بین رفته‌اند، ترکیب می‌شوند. پیش از قرن بیستم، سربازان کشته‌شده در گورهای دسته‌جمعی ناشناس در همان میدان جنگ دفن می‌شدند و یادمان آن‌ها در خانه برای یادآوری کشته‌شدگان بی‌نام در جنگ‌ها برپا می‌شد. پس از کشتار بزرگ جنگ جهانی اول بود که گرامیداشت، در مرکز توجه قرار گرفت و اجتماعات بسیاری یادواره‌های جنگ را برپا کردند. این یادواره‌ها اغلب به‌صورت مجسمه یا لوح‌هایی بودند که فهرست نام افرادی که هرگز از جنگ بازنگشتند را در بر داشتند.

یادواره‌های دیگر به شکل باغ‌های یادمانی درآمدند؛ مانند «باغ ملی یادمانی جنگ ایرلند» در دوبلین که توسط «سر ادوین لوتینز»<sup>۴۸</sup> و برای بزرگداشت یاد ۴۹۴۰۰ سرباز ایرلندی که در جنگ جهانی اول کشته شدند، طراحی شده‌است. این باغ شامل یک گودال باغچه، یک باغ گل رز در مرکز، تراس‌های گوناگون و کلاه‌فرنگی‌ها، چمنزارها و مسیره‌های درختکاری شده‌است. این باغ توسط ردیفی از درختان عظیم و تأثیرگذار احاطه شده و دارای چهار کلاه‌فرنگی سنگی است که در آن‌ها طومارهایی حاوی نام تمام کشته‌شدگان نگهداری می‌شود.

جنگ ویتنام نیز دلیلی برای ایجاد یادمان‌های بسیار شد که از آن‌ها می‌توان به یادمانی که در سال ۱۹۸۲ توسط «مایا لین»<sup>۴۹</sup> برای افسران ویتنامی طراحی شده، اشاره کرد. این یادمان از یک دیوار سنگی شکل سیاه تشکیل شده که روی نمای آن، اسامی ۵۷۶۶۱ سرباز کشته‌شده حک شده‌است. کانسپت غیرمعمول لین این بوده که در درون زمین، گشایش و یا زخمی به‌عنوان نشانه‌ای از سنگینی مرگ‌ها ایجاد کند.

#### – باغسازی جنگ، باغ‌های نصرت

فنون کاشت و برداشت در زمان جنگ نیز به کار می‌آیند. کاشت محصول و یا نگهداری باغ معمولاً متضاد با برنامه‌های جنگی است، اما در طول دو جنگ جهانی، یک جنبش نوین





تصویر ۵: در زمان «نبرد کشت محصول» زمین‌های سیب‌زمینی و گندم در مرکز شهر زوریخ دیده می‌شد.  
عکس: Toini Lindroos.

بصری با سرزمین به کار گرفته است. همانند تقلید و استتار در طبیعت، که حیوانات از آن برای سازگار شدن با محیط و فریب دشمن استفاده می‌کنند، ایجاد خطای بصری و اختفاء در استراتژی‌های جنگی در قرن نوزدهم به کار گرفتند. با افزایش استفاده از سلاح‌های جنگی، گریز از توجه بصری و ناپدید شدن در منظر، به یک سیاست بقا تبدیل شد.

در قرن بیستم، پوشش‌های استتار در ارتش به سرعت توسعه یافت و یک سری منظرهای نمایشی و «طبیعت جعلی» (Dümpelmann, 2012) ساخته شد. در طول جنگ جهانی اول، هنرمندان فرانسوی برای تولید طرح‌های استتار، نقاشی‌های فریبنده چشم و برج‌های دیده‌بانی درخت مانند، مأمور شدند. ارتش فرانسه اولین واحد تخصصی استتار را تشکیل داد (نقاشان جنگ در لباس استتار)<sup>۴۶</sup>. خیلی زود، آن‌ها کارخانه‌های تولید پوشش‌های استتار و چترهای سیمی برای معلق نگه‌داشتن آن‌ها در بالای تجهیزات جنگی را ایجاد کردند. ارزش این‌گونه استراتژی‌های فریب‌دهنده خیلی سریع مشخص شد و توسط دیگر گروه‌های درگیر جنگ به کار رفت. در طول جنگ جهانی دوم، طرح‌های استتار برای جلوگیری از شناخته شدن مناظر واقعی و همچنین هواپیماها و

به «برنامه والن<sup>۴۳</sup>» معروف شد زیرا به «فردریچ تروگات والن<sup>۴۴</sup>» یکی از اعضای شورای فدرال سوئیس ارتباطی نزدیک داشت. پیش از جنگ جهانی دوم، سوئیس بیش از نیمی از ذخیره غذایی خود را وارد می‌کرد. برای جلوگیری از تحریم قریب‌الوقوع، حرکتی که به آن «نبرد کشت محصول<sup>۴۵</sup>» گفته می‌شد، شروع شد. نگهداری از باغ‌های سبزیجات شخصی، حتی در بستر شهری یک عادت فراگیر شد و فضاهای سبز در شهرهای بزرگ‌تر به زمین‌های زراعی تبدیل شدند. بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵، درجه خودکفایی از ۵۰ به ۷۰ درصد افزایش یافت. محصول سیب‌زمینی سه برابر و محصولات نان دو برابر شد. از این‌رو برنامه والن یک استراتژی موفق برای جلوگیری از قحطی در سوئیس بود و همچنین همراه با سایر بیانیه‌های هنری و معماری به‌عنوان نماد مقاومت در برابر آلمان نازی عمل کرد (تصویر ۵).

– استتار و نامرئی شدن

شکل منظر طبیعی و فرهنگی، بافت‌های آن، نور، سایه و رنگ، تأثیر عمیقی بر نحوه مدیریت عملیات جنگی دارد (Coutin & Castelbajac, 2012; Elias et al., 2015). در طول تاریخ، ارتش، استراتژی‌ها و ابزارهای مختلفی را برای گسترش ارتباط



تصویر ۶: یک درخت مصنوعی که به‌عنوان پست دیدبانی گمراه‌کننده استفاده شد. عکس‌ها و طرح‌های درختان موجود در میدان جنگ به یک کارگاه فرستاده شد و در آنجا هنرمندان درختان مصنوعی را با استفاده از استوانه‌های فلزی توخالی ساختند که سپس به‌عنوان درختان جاسوسی در میدان جنگ به کار رفتند. مأخذ: <http://historywars.tumblr.com/image/113093075934JPG>.

ماشین‌آلات زمینی در عملیات جنگی مختلف استفاده شد. جزوه «طبیعت جعلی» که تهیه و منتشر شد، شامل عناصر مختلف از درختان توخالی شده و صحنه‌های نقاشی شده تا ابزار استتار و پیش‌زمینه‌های آن بود (تصویر ۶). برای استفاده مناسب از استراتژی‌های استتار و مدل‌سازی سرزمین، بایستی در ابتدا بدانیم که منظر چگونه درک می‌شود. به همین دلیل، مستتر کننده باید عناصر منظر را به‌خوبی شناسایی کند و ارتباط آن‌ها را با ناظر و اجزای محیط اطراف مشخص نماید.

در سوئیس، برنامه دفاعی برای ایجاد یک «حفاظ استحکامات ملی»<sup>۴۷</sup> شامل یک ترکیب فوق‌العاده از آثار طبیعی و مصنوعی برای ساخت منظر با یک سری صحنه‌های نقاشی شده باهدف دفاعی است (Duckart, 2011). در سال ۱۸۸۰، دولت در پاسخ به تهدید هجوم خارجی و با استفاده از یک برنامه دفاعی، در منطقه آلپ عقب‌نشینی کرده و سپس این منطقه را با استفاده از استحکامات استتاری ایمن نمود. در طول جنگ جهانی اول و دوم و همچنین جنگ سرد، این استحکامات به‌طور مداوم گسترده و اصلاح شدند. این برنامه با تعدادی دژ مستحکم در طول آلپ و سه مجموعه دژ مستحکم برای جلوگیری از هجوم خارجی و بی‌توجه به زیرساخت‌های حمل‌ونقل حیاتی سوئیس در برابر مهاجمین به کار گرفته شد. این کانسپت دفاعی نه‌تنها منظر فیزیکی با صخره‌های کاذب، انبار مهمات، آلونک‌های جعلی و اصطبل‌های به سبک بومی را شکل داده بود، بلکه بخشی اساسی از دفاع ذهنی سوئیس<sup>۴۸</sup> را شکل داده بود که می‌خواست بی‌طرفی کنفدراسیون را حفظ نماید.

در قرن ۲۱، حفاظ استحکامات ملی به یک موضوع بحث در جامعه سوئیس تبدیل شد؛ بسیاری از استحکامات از رده خارج شدند و زاغه‌های مهمات و آلونک‌های جعلی به موزه‌ها،



تصویر ۷: سوئیس توسط ساختارهای پنهان و جعلی سازه‌های نظامی به یک معما تبدیل شده است. چیزی که به نظر یک تخته‌سنگ می‌رسد، در حقیقت انبار مهمات است که از آهن و بتن ساخته شده و به شکل تخته‌سنگ نقاشی شده است. سنگری در گذرگاه گوتهارد (Gotthard Pass).  
 مأخذ: [https://de.wikipedia.org/wiki/Festung\\_Gütsch#/media/File:Gütsch\\_MG.JPG](https://de.wikipedia.org/wiki/Festung_Gütsch#/media/File:Gütsch_MG.JPG)

پوشش‌های استتار و نقاشی‌های گمراه‌کننده استفاده شده در جنگ جهانی اول، طراحی این نوع منظر بیشتر در اختیار نظامیان بوده است. معماران منظر تنها برای طراحی‌های زمان پس از جنگ و همکاری در طراحی گورستان‌های جنگی و یادمان‌ها شرکت داده می‌شوند. اما آنچه به‌عنوان یک مسئله مهم حتی یک وظیفه برای معماران منظر مطرح می‌شود، طراحی دوباره و معنادار مناظر جنگ برای استفاده‌های پس از جنگ است. استفاده از باقی‌مانده مصالح جنگی مانند خرابه‌ها، آهن‌پاره‌ها، میدان‌های مین و غیره و برنامه‌ریزی و تلاش برای دوباره قابل سکونت نمودن این مناظرها، از یک‌سو نیاز به خوانش دقیق منظر جنگ دارد و از سوی دیگر نیازمند جستجو برای یافتن راه‌حل‌های خلاقانه است.

آموختن از مناظرهای جنگ همچنین باید ما را به عدم حمایت از منظر ترس تشویق کند تا از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کرده و در تلاش‌های جهانی برای ایجاد صلح و آشتی نقش فعال داشته باشیم.

**نتیجه‌گیری** | شواهد و مدارک حاکی از پیچیدگی ارتباط میان منظر و جنگ از دوران باستان تاکنون وجود دارد. بسیاری از مناظرهای فرهنگی کنونی، توسط نزاع‌ها شکل گرفته‌اند. ترس و خطر به‌عنوان تجربه‌های رایج جنگ، بر درک ما از منظر نیز تأثیر گذاشته‌اند. اگرچه ما هنوز خیال مناظر سرگرم‌کننده و مفهوم زیبایی مطلق در منظر را در سر می‌پرورانیم، اما امروز به‌واقع از این مفاهیم جدا شده‌ایم. در عوض امروز ما با مناظر میراثی و جان‌نشین شونده، بازسازی، مدیریت بحران، رشد بی‌رویه شهرها و مانند این‌ها سروکار داریم. برخلاف همه خواسته‌ها، جنگ به نظر تمام‌شدنی نیست؛ بنابراین نیاز جهانی برای بحث در مورد اینکه مناظرهای جنگی چگونه به لحاظ ذهنی و یا مادی بازنمایی می‌شوند، باقی می‌ماند.

کاربری زمین بر اساس جنگ و طراحی‌های استراتژیک منظر در زمان جنگ به‌ندرت در زمره وظایف تخصص‌های متصدی طراحی، معماران منظر و یا هنرمندان قرار گرفته است. به‌استثنای طراحی

Dieter Oesterlen -۳۶	Landmark -۲۳	.Ortsinn	Kurt Lewin -۱
Walter Rossow -۳۷	Limeses -۲۴	Yi Fu Tuan -۱۰	John Brinkerhoff Jackson -۲
Ernst Cramer -۳۸	Hadrian -۲۵	Topophilia -۱۱	۳- این مقاله بر اساس یک تحقیق
Helmut Lange -۳۹	Finnmark -۲۶	Topophobia -۱۲	مشترک در مؤسسه پژوهشی FOA-
Sir Edwin Lutyens -۴۰	Kalkriese -۲۷	Theory of the Sublime -۱۳	FLUX و دپارتمان معماری منظر
Maya Lin -۴۱	Osnabrück -۲۸	Earl of Shaftesbury -۱۴	دانشگاه ای. تی. اچ در زوریخ (Swiss)
Hyde Park -۴۲	Teutoburg Forest -۲۹	John Dennis -۱۵	(Federal Institute of Technology)
Plan Wahlen -۴۳	Rainer Zulauf & Lukas -۳۰	Joseph Addison -۱۶	نگاشته شده است.
Friedrich Traugott Wahlen -۴۴	Schweingruber	The Grand Tour -۱۷	Sun Tzu -۴
Anbauschlacht -۴۵	Willi Lange -۳۱	Edmund Burke -۱۸	The Art of War -۵
Les peintres de la guerre au -۴۶	Heldenhaine -۳۲	Kurt Lewin -۱۹	Battle of Morgarten -۶
camouflage	Verdun -۳۳	Kriegslandschaft, 1917 -۲۰	Lake Aegeri -۷
National Redoubt -۴۷	Maas Valley -۳۴	gerichtete Landschaften -۲۱	Carl von Clausewitz -۸
Geistige Landesverteidigung -۴۸	Futa Pass -۳۵	John Brinckerhoff Jackson -۲۲	۹- sense of locality, در آلمانی

- Bucher, A. (2015). Landscape Theories in Transition; Shifting Realities and Multi Perspective Perception, In Girot, Ch., et al. (eds.). *Landscript 03: Topology: Topical Thoughts on the Contemporary Landscape*. Berlin: JOVIS Verlag.
- Clausewitz, C. V. (1832). *Vom kriege [On war]*. Berlin: Ferdinand Dümmler.
- Burke, E. (1970). *A Philosophical Enquiry Into the Origin of Our Ideas of the Sublime and Beautiful, 1759*. Menston: Scholar Press.
- Appleton, J. (1996). *The experience of landscape*. Chichester: Wiley.
- Zulauf, R. & Schweingruber, L. (2001). Museum und Park Kalkriese. *Anthos: Periodical for landscape architecture and landscape planning*, (1): 30-35.
- Gowdy-Wygant, C. (2013). *Cultivating Victory: The Women's Land Army and the Victory Garden Movement*. Pittsburgh: University of Pittsburgh Pre.
- Platenius, H. (1943). *Victory Garden Handbook: A Guide for Victory Gardeners in New York and Neighboring States*. New York: The Wilcox press.
- Elias, A. D. Harley, R., & Tsoutas, N. (Eds.). (2015). *Camouflage Cultures: Beyond the Art of Disappearance*. Sydney: Sydney University Press.
- Coutin, C. & de Castelbajac, J. C. (2012). *Tromper l'ennemi: l'invention du camouflage moderne en 1914-1918*. Paris: Éditions Pierre de Taillac.
- Dümpelmann, S. (2012). The Art and Science of Invisible Landscapes: Camouflage for War and Peace, In *Ordinance: War + Architecture and Space*. Edited by Boyd, G. & Linehan, D. Farnham: Ashgate Publishing, Ltd.
- Duckart, C. (2011). *Versteckte Aussichten: Militärische Landschaft der Schweiz*. Hamburg: Diplomica Verlag.